

هیلاری کلینتون با اشاره به وضعیت ناپسaman آمریکا در مواجهه با ایران:

ترامپ دروغ می گوید در حد المپیک

صفحه ۳

شبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۵ | ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۸ | ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۷۰۶ | ۲۰ هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

گزارشات جدید از خسارات سنگین حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران برای کشورهای منطقه

قبض ۲۴ میلیارد دلاری جنگ برای قطر

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4706 | SAT.SEP.12,2026 | ISSN:2008-2886

گزارش «وطن امروز» از پیشروی های معادله ساز مقاومت در یمن
ابعاد راهبردی تسلط کامل بر باب المندب

نصر انصار

صفحه ۳



گزارش «وطن امروز» از پیامدهای راهبردی پیروزی انصارالله برای امنیت انرژی و اقتصاد جهانی

معجزه «اراده» در برابر «پتrodollar»

■ تأثیر اقتصادی پیروزی رزمندگان یمن بر همپیمانان آمریکا تحولات اخیر یمن و پیروزی های درخشان رزمندگان یمنی، آغاز یک فصل جدید در اقتصاد سیاسی و امنیت جهانی است. تنگه باب المندب شاهرگی است که روزانه ۶ میلیون بشکه نفت خام و بیش از ۱۰ درصد کل تجارت دریایی جهان از آن عبور می کند. تسلط انصارالله بر این آبراه استراتژیک، به معنای خلع يد هژمونی دریایی غرب در بازارهای سهام و انرژی ایجاد کرد. در پی افزایش نگرانی ها از کاهش جریان عرضه نفت از طریق تنگه هرمز و تهدید نفکش ها در دریای سرخ، ارزش سهام در سراسر آسیا سقوط کرد. شاخص «یکی» ژاپن بیش از ۲ درصد افت کرد و بازارهای چین، کره جنوبی و هنگ کنگ نیز شاهد ریزش های مشابه بودند. از سوی دیگر، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت با یک جهش خیره کننده به ۱۰۸ دلار در هر بشکه (بالا ترین قیمت از ماه اردیبهشت تاکنون) رسید و در آمریکا نیز میانگین قیمت گازوئیل با عبور از مرز روانی ۶ دلار در هر گالن، فشار سنگینی بر اقتصاد آن کشور وارد کرد. یمنی ها با سرنگونی حکومت فاسد پیشین و سپس ایستادگی ۱۰ ساله در برابر ثروتمندترین ائتلاف نظامی جهان، به صراحت به دنیا پیام دادند در هندسه نظم جدید جهانی، ناوهای هواپیمابر، بمب افکن های رادار گریز و بودجه های یکصد میلیارد دلاری دیگر تعیین کننده نهایی سرنوشت ملت ها نیستند. پیروزی قاطع آنها سند زنده ای است که نشان می دهد وقتی اراده ملی با یک باور عمیق ایدئولوژیک پیوند بخورد، می تواند تحریم و محاصره را به فرصتی برای قدرتمند شدن تبدیل کند. آینده را پلر هنه هایی خواهند نوشت که با تکیه بر نیروی باور، در کمتر از یک شبانه روز، معادلات قدرت در یکی از حساس ترین آبراه های کره زمین را برای همیشه تغییر دادند.

خارجی (از نیروهای آفریقایی نظیر سودانی ها تا شرکت های امنیتی خصوصی غربی) و شبه نظامیان اجیر شده داخلی رو آورد اما در علم جنگ، یک اصل خدشه ناپذیر وجود دارد: «مزدور تنها تا زمانی می جنگد که هزینه (خطر مرگ) از فایده (حقوق دلاری) کمتر باشد». هنگامی که مزدوران ائتلاف در سواحل مخا و ذباب با رزمندگانی روبه رو شدند که از مرگ نمی هراسند و با پای برهنه اما ایمان راسخ به سمت مواضع آنها یورش می برند، منطق اقتصاد جنگی مزدوران فروریخت. پیشرفته ترین تاکتیک های آبرامز و سامانه های راداری، در برابر انسانی که موتور محرک او «اعتقاد به حقانیت مسیر، استقلال طلبی و دفاع از ناموس وطن» است، کارایی محاسباتی خود را از دست می دهد. یمن ثابت کرد در جنگ های نامتقارن، این «باور به یاری خداوند و سرمایه اجتماعی مبتنی بر اندیشه مقاومت» است که برتری فناوری و نظامی را خنثی می کند. استیصال ائتلاف سعودی-اماراتی در برابر اراده، به حدی رسید که آنها برای نجات خود، دست به دامن مداخله مستقیم واشنگتن شدند. بر اساس گزارش پایگاه خبری اکسپوس، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، در یک روز ۲ بار با رئیس جمهور تروریست آمریکا تماس گرفته و ملتسمانه از او خواسته ارتش آمریکا مستقیما به حوثی ها حمله کند اما ترامپ با آگاهی از باتلاق یمن، با این درخواست موافقت نکرد و مقامات آمریکا تا کید کردند برنامه ای برای مداخله مستقیم ندارند. با این حال، آمریکا متحد خود را کاملاً ها نکرده؛ شبکه «سی ان ان» فاش کرد بیش از ۱۰۰ مشاور نظامی آمریکایی در عربستان مستقرند و در زمینه اطلاعات و تعیین اهداف نظامی به ریاض کمک می کنند. این یعنی انصارالله نه تنها با مزدوران میدانی، بلکه به طور غیر مستقیم با دستگاه مستشاری و اطلاعاتی ایالات متحده می جنگد و با این وجود، موفق به پیشروی شده؛ مساله ای که وحشت واشنگتن از درگیری مستقیم را کاملاً توجیه می کند.

شد، بنادر حیاتی مانند «حدیده» به شدت محدود شدند و واردات سوخت، غذا و دارو به حداقل رسید. ائتلاف سعودی با در اختیار داشتن کنترل کامل حریم هوایی و آب های منطقه تلاش کرد با استفاده از «سلاح گرسنگی و قحطی»، جامعه یمن را از درون دچار فروپاشی کند اما در اینجا یک شبه معجزه رخ داد. محاصره، به جای آنکه به فروپاشی اراده ملی و تسلیم متجر شود، به عنوان یک عامل مؤثر برای زایش یک قدرت بومی متکی به خود عمل کرد. وقتی ملتی متوجه می شود برای دفاع از موجودیت خود هیچ راه تنفسی از بیرون مرزها ندارد، مکانیزم های بقا و نوآوری درونی آن فعال می شود. یمنی ها در اوج این محاصره خفه کننده، به جای تسلیم، پایه های یک صنعت نظامی کاملاً بومی (مهندسی معکوس و ارتقای موشک های بالستیک، کروز و توسعه شبکه های پهنپای و شهپادهای دریایی) را بنا نهادند. اگر این محاصره همه جانبه نبود، شاید هرگز اراده ای برای این جهش حیرت انگیز نظامی و تکنولوژیک در یمن مشاهده شکل نمی گرفت.

■ «جنگجوی باورمند» برابر «مزدوران نظامی»

عملیات اخیر در ساحل دریای سرخ، و بترینی از تقابل ۲ جبهه یمنی و ۲ دکتترین نظامی کاملاً متضاد بود: دکتترین «جنگجوی باورمند» در برابر دکتترین «مزدوران نظامی». برای فهم این نابرابری آماری، کافی است به بودجه های نظامی نگاه کنیم. بر اساس داده های مؤسسه بین المللی پژوهش های صلح استکپلم (SIPRI)، رژیم سعودی در سال های اخیر همواره در جمع ۵ کشور اول جهان با بیشترین بودجه نظامی قرار داشته است (بودجه های بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار در سال). امارات عربی متحده نیز به یکی از بزرگ ترین وارد کنندگان سلاح های پیشرفته غربی تبدیل شده است. در مقابل، بودجه نظامی رسمی انصارالله رقمی نزدیک صفر است. ائتلاف سعودی-اماراتی برای جبران فقدان انگیزه در نیروهای انسانی خود، به استخدام گسترده مزدوران

به یمن اعزام کرد اما مقاومت سرسختانه یمنی ها در کوهستان ها، ارتش مصر را در یک جنگ فرسایشی بی امان، گرفتار کرد. مصر در این جنگ بیش از ۱۰ هزار کشته و خسارات مالی جبران ناپذیری متحمل شد تا جایی که ناصر اذعان کرد این سرزمین تبدیل به «وینتام مصر» شده است. روحیه سلحشوری تاریخی یمنی ها در دوران معاصر در قالب یک انقلاب اعتقادی و سیاسی بازتولید شد. جنبشی که اوایل دهه ۷۰ خورشیدی با نام «شباب المؤمنین» (جوانان مؤمن) با هدف احیای فرهنگی و هویتی شیعیان در برابر نفوذ وهابیت سعودی آغاز به کار کرد، در یک سیر تکاملی شگفت انگیز به نیروی قدرتمند «انصارالله» تبدیل شد. این جنبش با تکیه بر همان بدنه اجتماعی معتقد توانست سال ۱۳۹۳ خورشیدی با یک انقلاب مردمی، به دهها حاکمیت فاسد، وابسته و ناکارآمد دولت مرکزی علی عبدالله صالح پایان دهد و با تصرف صنعا (پایتخت) قدرت را به دست گیرد. این پیروزی خیره کننده، زنگ خطری برای ریاض بود، چرا که نشان داد یمن از حیاط خلوت و جولانگاه سیاسی عربستان، به دژ مستحکم مقاومت تبدیل شده است.

■ محاصره یمن و زایش قدرت

یکی از مهم ترین متغیرها در تحلیل قدرت امروز یمن، پدیده «محاصره همه جانبه» است. از سال ۱۳۹۴ خورشیدی، یمن تحت یک محاصره مطلق هوایی، زمینی و دریایی قرار گرفت. برای درک عمق این فاجعه، باید به آمارهای رسمی نهادهای بین المللی رجوع کرد. بر اساس گزارش های دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، یمن در سال های اخیر به «بزرگ ترین بحران بشردوستانه جهان» تبدیل شد. محاصره باعث شد بیش از ۸۰ درصد جمعیت این کشور (۲۴ میلیون نفر) برای بقای روزمره خود به کمک های بشردوستانه وابسته شوند. اقتصاد یمن بیش از ۵۰ درصد کوچک

یادداشت
مسمن رددادی

گزارش های اخیر خبرگزاری ها از یمن، حامل خبری بود که فراتر از یک تحول میدانی ساده، یک «زلزله ژئوپلیتیک» در معادلات امنیتی غرب آسیا و جهان محسوب می شود. بر اساس گزارش ها، نیروهای انصارالله یمن در یک عملیات برق آسا و هماهنگ ۱۸ ساعته، آخرین مناطق ساحلی تحت کنترل نیروهای مزدور ائتلاف سعودی-اماراتی در ساحل دریای سرخ را به تصرف خود درآوردند. این پیشروی استراتژیک، از خروج مزدوران سعودی از «مخا» آغاز شد و با تصرف شهرهای «ذباب» و «مراد» ادامه یافت اما نقطه عطف این عملیات، پیشروی جسورانه یگان های دریایی انصارالله در آب های ساحلی و به کنترل درآوردن جزیره راهبردی «مبون» در قلب تنگه باب المندب و ورود به جزیره «ؤقر» بود. چگونه کشوری که تحت شدیدترین و طولانی ترین محاصره های تاریخ معاصر قرار دارد، توانسته ائتلافی از ثروتمندترین کشورهای جهان عرب با پشتیبانی مدرن ترین ماشین جنگی غرب را شکست دهد؟

■ یمن؛ «وینتام مصر» و گورستان امپراتوری ها

برای درک آنچه امروز در یمن می گذرد، باید به حافظه تاریخی این سرزمین و سابقه مقاومت شیعیان یمن رجوع کرد. مجموعه رخداد های تاریخی باعث شده تحلیلگران به درستی یمن را به عنوان «گورستان امپراتوری ها» نامگذاری کنند. امپراتوری عثمانی در اوج قدرت خود، تلفات چنان سنگینی در این جغرافیا داد که یمن را به عنوان نمادی بازگشت بودن سربازان شناخت! اما مشهورترین نمونه معاصر، به دهه ۱۹۶۰ میلادی و مداخله نظامی مصر بازمی گردد. جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر در جریان جنگ داخلی یمن (۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰) با ارتش مجهز و کلاسیک خود وارد یمن شد. او بیش از ۷۰ هزار نیروی نظامی تازه نفس را

تیتترهای امروز



همزمان با رسیدن بهای نفت به ۱۱۰ دلار و افزایش قیمت سوخت در آمریکا، منابع خبری از تحركات جدید پاکستان و قطر برای احیای تفاهنامه میان تهران و واشنگتن می گویند

پروژه سوخته!

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از دلایل جهش قیمت نفت؛ از افت کم سابقه صادرات نفت عربستان تا جنگ نفکش ها

تنگه های بازار ساز

صفحه ۴

انرژی؛ یکی از مهم ترین اهرم های بازدارندگی در منازعات منطقه ای

شریان های هزینه جنگ

نگاه
رضا باقری پور

در میانه جنگ ما و آمریکا، یک پرسش مهم راهبردی در مرکز بسیاری از پرسش های تاکتیکی نشسته است: اگر هدف ایران از حملات موشکی صرفا پاسخ به حملات آمریکا نیست و قرار است این حملات «بازدارندگی» ایجاد کند، کدام نوع هدف برای تهران ارزش راهبردی بیشتری دارد؛ پایگاه های نظامی آمریکا یا زیرساخت های انرژی منطقه؟ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که میان «پاسخ نظامی» و «بازدارندگی» تفاوت اساسی وجود دارد. پاسخ نظامی می تواند یک حمله مشخص را تلافی کند اما بازدارندگی زمانی شکل می گیرد که طرف مقابل در محاسبه هزینه فایده اقدام بعد خود تجدیدنظر کند. ایران در ماه های گذشته عمدتاً تلاش کرده این پیام را از طریق هدف قرار دادن دارایی های نظامی آمریکا در منطقه منتقل کند که اگر آمریکا به ایران حمله کند، نیروها، پایگاه ها و تجهیزات نظامی اش در منطقه در امنیت نخواهند بود. این منطق از لحاظ نظری کاملاً قابل فهم است. آمریکا برای اعمال قدرت در غرب آسیا به شبکه ای از پایگاه ها، بنادر، فرودگاه ها و سامانه های پشتیبانی وابسته است و آسیب پذیر نشان دادن این شبکه، مستقیما به اعتبار قدرت نظامی آمریکا مربوط می شود. اندیشکده بروکینگز نیز در ارزیابی خود از جنگ اخیر تصریح کرد حملات ایران این تصور دیرینه را که پایگاه های پیشرو آمریکا و ناوهای آن از مصونیت برخوردارند، به چالش کشیده است. از این منظر، حتی حملاتی که از نظر میزان خسارت فیزیکی محدود باشد، اگر بتواند تصور «عنیت» تروریست های آمریکایی را از بین ببرد، می تواند ارزش بازدارنده داشته باشد. اما مشکل این است که حمله به پایگاه نظامی محدودیت ذاتی دارد؛ یک پایگاه در نهایت برای جنگیدن ساخته شده است. یک پایگاه نظامی، به تعبیر ساده، دقیقاً همان جایی است که واشنگتن انتظار دارد در صورت جنگ مورد حمله قرار گیرد. بنابراین حمله به پایگاه آمریکا هر چند می تواند هزینه های ایجاد کند، الزاماً به معنای تغییر محاسبه سیاسی واشنگتن نیست. مساله زمانی جدی تر می شود که آمریکا بتواند حملات ایران را در چارچوبی محدود و قابل مدیریت نگه دارد؛ یعنی پایگاه ها را تقویت، سامانه های دفاعی را جابه جا، نیروها را پراکنده و بخشی از توان نظامی خود را از منطقه خارج کند؛ بدون آنکه هزینه اقتصادی و سیاسی بزرگی بپردازد. اینجاست که اهمیت انرژی آشکار می شود. جنگ خلیج فارس فقط جنگ موشک ها و هواپیما نیست، جنگ اقتصادها نیز هست. آمریکا ممکن است بتواند یک پایگاه را ترمیم، یک سامانه دفاعی را جایگزین یا یک اسکادران را جابه جا کند اما تغییر ناگهانی در قیمت نفت، هزینه حمل و نقل، بیمه کشتی ها و امنیت انرژی، موضوعی است که از سطح پنتاگون خارج می شود و مستقیما به دولت، بازار و جامعه آمریکا منتقل می شود.

ادامه در صفحه ۲